

## معرفی و نقد کتاب

### موسیقی، هویت ملی و سیاست مکانی بین جهان و منطقه\*

#### مقدمه

دگرگونی‌های گسترده در روند موسیقی‌شناسی در دو دهه آخر قرن بیستم، ضرورت تازه‌ای برای مطالعه موسیقی عامه و توده‌ای به وجود آورده است. به‌طور کلی، غلبه دیدگاه نسبی‌گرا و منعطف بر الگوی جهانی و سنتی، از رخداد‌های مهم ناشی از نوگرایی<sup>۱</sup> می‌باشد. وقوع دو تحول برجسته، یعنی دگرگونی آواها و فروپاشی آنها خود ناشی از حضور، تعامل و مبارزه در بستر واقعیت‌های فرهنگی - هویتی و نیز مخاطبان و جایگاه موضوع است. این عوامل، در کنار یکدیگر به تدریج موقعیت ترانه‌ها و آهنگ‌سازان سنتی را دگرگون نموده و آنها را به سوی تولید و عرضه موسیقی‌هایی متفاوت‌تر سوق داده‌اند. علاوه بر آن تغییرات نو، موجب ظهور مخاطبان جدید، انواع نوین و سبک‌های متفاوت موسیقی عبور از انواع موسیقی سنتی ترکیب کردن چندین نوع موسیقی و به‌وجود آوردن نسل‌های جدید آن گشته است. گونه‌های موسیقی جدید، با ورود و طرح مباحث تازه، فضای لازم برای نقد علمی و عملی موسیقی، تولید آزادانه آن و بیان عقاید فردی و جمعی درباره این هنر را فراهم آورده است.

یکی از انواع موسیقی دگرگون شده و تأثیرگذار در سال‌های اخیر، موسیقی عامه می‌باشد. هم‌اکنون موسیقی‌شناسی عامه، عرصه‌ای هیجان‌انگیز و مهم است و به تدریج تبدیل به علم شده است. در کتاب مورد بحث ما نیز مسأله اصلی این است که چگونه هویت‌های ملی با استفاده از موسیقی عامه دوباره شکل می‌گیرند و بیان هویتی می‌یابند. موسیقی عامه در مدتی طولانی، وسیله‌ای مناسب برای ابراز نارضایتی‌ها،

\* Music, National identity and the Politics of Location, Between the Global and the Local.

1- Modernism

دگراندیشی‌های سیاسی - اجتماعی و آرزوهای نهفته افراد دارای هویت حاشیه‌ای بود و امروز به عرصه رسمی هویت‌سازی ملی در بستر جغرافیای بومی بدل گشته است. در این مختصر، یکی از کتاب‌های جدید در حوزه هویت ملی و موسیقی با عنوان «موسیقی، هویت ملی و سیاست مکانی بین جهان و منطقه» را بررسی و نقد نموده‌ایم. این اثر را ایان بیدل<sup>۱</sup> و ونسا نایتز<sup>۲</sup> تنظیم و تدوین نموده‌اند (۱) و انتشارات اشگیت<sup>۳</sup> به سال ۲۰۰۷م در کشور انگلستان و در ۲۶۸ صفحه به چاپ رسانیده است (۲). موضوع‌های بحث شده در این کتاب عبارتند از: موسیقی عامه و جنبه‌های اجتماعی و سیاسی آن، تاریخ و نقد موسیقی عامه و موسیقی ملی، ملی‌گرایی در موسیقی، فرهنگ عامه، و موسیقی و جهانی شدن.

### معرفی کتاب

موسیقی عامه در دهه‌های اخیر، فضایی مناسب را به وجود آورده تا احساسات و ویژگی‌های ملی‌گرایانه، در چهارچوب مکانی و جغرافیای سیاسی - فرهنگی نقد و بازبینی قرار گردد و به جای فرهنگ بومی - محلی، در فضای جهانی مورد توجه قرار گیرد. موضوع مهمی که نویسندگان این کتاب بدان پرداخته‌اند، بررسی رابطه بین فرهنگ، هویت و موسیقی می باشد. آنان گوناگونی و فزونی موسیقی را از دیدگاه چندگانگی فرهنگی و هویتی ملاحظه نموده و بر این نکته تأکید کرده‌اند که چگونه موسیقی، بر هویت ملی و در کنار آن، انواع دیگری از هویت‌ها را علاوه پدید می‌آورد. فرآیند یکسان‌سازی جهانی به مثابه یکی از پیامدهای جهانی شدن، بحران‌گذار را برای هویت‌های فرهنگی - ملی رقم می‌زند و موجب تحول این گونه هویت‌ها می‌گردد. مفاهیم یاد شده، در این کتاب با ارجاع به مفهوم اعتبار و اصالت موسیقی قابل درک خواند بود، هرچند ممکن است این موضوع به گفتمان‌های گسترده‌تری در قدرت، اقتصاد سیاسی و ساختارهای اجتماعی مربوط باشد.

علاقه به تعامل پویا و گسترش فرهنگ عامه، یکی از نتایج ظاهر شدن و موضوعیت یافتن دوباره مفاهیمی چون ملیت‌گرایی، دولت - ملت، روایت‌ها و اسطوره‌سازی‌های ملی، و دیگر و نموده‌های جهان‌بینی ملیت‌گرا می‌باشد. هر چند، با گسترش فرآیند جهانی شدن این مفاهیم سنتی و برجای مانده از دوره نوگرایی به حاشیه رانده می‌شد؛ جهانی شدن به خودی خود منجر به پدید آمدن دوباره‌سازی سرزمینی، فرامهاجرت و

1- Ian Biddle

2- Vanessa Knights

3- Ashgate

مباحث چندگانگی فرهنگی گشت. با وجود این و برخلاف اظهارات زود هنگام درباره از بین رفتن مفهوم ملت، به نظر می‌رسد این مفهوم نه تنها اهمیت خود را حفظ نموده؛ بلکه اعتبار و کارویژه‌های چندگانه‌ای نیز یافته است و به این موضوع می‌پردازد که زمینه‌های فرهنگی چگونه در ساختن هویت‌های فردی و جمعی نقش دارند.

عنوان مقدمه کتاب خود را بحث با «موسیقی‌های عامه ملی: بین و آن سوی منطقه و جهان» است و ایان بیدل و ونسا نایتر، ویراستاران اثر آن را به رشته تحریر کشیده‌اند. در این دیباچه آمده است که بیشتر نویسندگان کتاب به سال ۲۰۰۰ در سخنرانی‌ای در دانشگاه نیوکاسل با عنوان «موسیقی عامه و هویت‌های ملی» شرکت نمودند. محققان زیادی از سراسر دنیا در این جلسه گرد هم آمدند تا موسیقی‌های عامه جهانی را از دیدگاه‌های اجتماعی، سیاسی و موسیقایی‌شان بررسی کنند و مهم‌تر از همه راه‌هایی برای نظریه‌پردازی کردن درباره مفاهیم پویای ملیت، ملیت‌گرایی و دولت - ملت، در چهارچوبی انتقادی و با استفاده از موسیقی عامه بیابند. پدیده موسیقی جهانی، داستانی ساده اما پرطنین و رساست و با جهانی مرتبط می‌باشد که در آن، اندیشه‌ها، فرهنگ‌ها و احساس‌های معطوف به هویت به‌طور تنگاتنگی درهم آمیخته‌اند. در این حوزه، مطالعه‌های موسیقی گرایش زیادی به فراملیتی بودن و تغییر مفهوم ملت، در بستر رابطه موسیقی عامه و مکان‌ها نشان داده می‌شود.

کتاب مورد بحث ما دارای دو بخش و نه فصل می‌باشد؛ بخش اول با عنوان «موقعیت‌ها» از دو فصل و بخش دوم با نام «مکان‌ها» از هفت فصل تشکیل شده است.

فصل اول کتاب، «تحولات هویت ملی و موسیقی: موضوعات مربوط به اعتبار در صحنه جهانی» نام دارد و جان آفلین<sup>۱</sup> آن را نگاشته است (۳). در این فصل، افلین بدین نکته مهم پرداخته که هویت ملی تأثیر زیادی بر چگونگی پدید آوردن آثار موسیقی و گرایش مخاطبان به انواع موسیقی می‌گذارد. ساختار و کارکردهای هویت‌های ملی به‌طور اجتناب‌ناپذیری در زمینه‌ها و بسترهای تاریخی، جهانی و منطقه‌ای ملاحظه می‌شوند و این موضوع سبب شده که رابطه بین هویت ملی و موسیقی در گذر زمان، در سیلان باشد. این فصل، نشان می‌دهد که رابطه بین هویت ملی و موسیقی، از طریق فرآیندهای انتقالی اعتبار و اصالت حفظ شده است. موسیقی به دو شیوه واقعی و نمادین، سبب ساختن و دوباره‌سازی هویت‌ها می‌گردد. دولت - ملت‌ها این شاخه از

1- John O Flynn

هنر را به‌عنوان یک نماد فرهنگی و یا محصول ملی ارتقا می‌دهند و بازارهای جهانی، در صورت اعتبار این موسیقی‌ها، آنها را جذب می‌کنند (صص ۳۸-۱۹ کتاب).

فصل دوم، «موسیقی جهانی از کجا آمده است؟ جهانی شدن، موسیقی پاپ آفریقایی و سؤال هویت فرهنگی» نام دارد و «دیوید مورفی»<sup>۱</sup> آن را تدوین و تالیف نموده (۴). در این فصل، نویسنده به این موضوع مهم پرداخته که رشد و گسترش جهانی موسیقی از اواخر دهه ۱۹۸۰ منجر به مهاجرت بسیاری از موسیقی‌دانان آفریقایی به پاریس و لندن شده. و این موضوع نشانگر شکل‌گیری و گسترش موسیقی پاپ آفریقایی در غرب می‌باشد. پاداش‌های مالی و موفقیت‌های هنری در بازارهای هنری - اقتصادی غرب، آشکارا موسیقی‌دانان آفریقایی را جذب نموده‌اند و این امر، موجب شده که شکل و محتوای انواع خاص و سنتی موسیقی آفریقایی دگرگون شود، نوآوری در آن کمتر باشد و بیشتر ساده، زیبا و عوام‌پسند عرضه گردد. این‌گونه موسیقی، طرفدارانی به‌صورت جهانی دارد و باعث به‌وجود آمدن چندفرهنگ‌گرایی گشته است (صص ۶۱-۳۹ کتاب).

بخش دوم کتاب «موسیقی، هویت ملی و سیاست مکانی»، «مکان‌ها» نام دارد، شامل هفت فصل می‌باشد و به عبارتی مجموعه مقالاتی است که از فصل سوم آغاز می‌شود و تا فصل نهم ادامه می‌یابد.

«خطر موسیقی: مهاجرت، معصیت و تغییر مکان در موسیقی رای اسپانیایی / مراکشی»<sup>۲</sup> عنوان فصل سوم کتاب است که پرواتی نایر<sup>۳</sup> آن را نوشته است (۵). در این فصل از خطرهای موسیقی سخن گفته شده است؛ بدین شرح که ممکن است موسیقی موجب مهاجرت، وقوع جرم و تغییر مکان گردد. کلمه رای در کشور الجزایر و به زبان عربی به معنی «عقیده» می‌باشد. موسیقی رای، مخالفت و نارضایتی عامه با وضع موجود را بیان می‌نماید. در سال‌های اخیر، این قسم موسیقی در میان مهاجران مراکشی که در اسپانیا زندگی می‌کنند، گسترش یافته است. موسیقی رای که تولیدش نتیجه مهاجرت بوده، در شکل‌گیری هویت‌های جدید آفریقای شمالی، نقشی تعیین‌کننده و تأثیرگذار ایفا نموده است (صص ۷۹-۶۵ کتاب).

بخش چهارم کتاب، «بندا، یک صدای جدید از باسک لس‌آنجلس: تولید فرامهاجرتی و فرافرهنگی» نام دارد و هلنا سیمونت آن را نگاشته است (۶). از آن‌جا که

1- David Murphy

2- Rai

3- Parvati Nair

4- Helena Simonett

موسیقی نقش عمده‌ای در تغییر جوامع دارد، موسیقی ابتدا<sup>۱</sup> اطلاعات محسوس و ملموسی برای فهم جامعه‌های در حال گذار، عرضه می‌کند. این گرگونی‌ها در صورت دقت فراوان، قبل از اینکه به چشم آید، قابل شنیدن است (صص ۹۲-۸۱ کتاب).

بخش پنجم، «موسیقی رپ در حاشیه‌ها: سازه‌های موسیقایی هویت‌ها در فرانسه معاصر» نام دارد و برایان جورج<sup>۲</sup> آن را نوشته است (۷). موسیقی رپ به‌عنوان یکی از اشکال نسبتاً جدید فرهنگی، در سال‌های اخیر نقش مهمی در پدید آمدن برخی کشمکش‌ها بر سر سنت دارد. این زمینه در هویت‌های مختلف در کشور فرانسه نیز وجود دارد و هویت‌های جدیدی را به‌ویژه در شهرهای عمده و چندقومی این سرزمین، پدید آورده است. شاید مسأله‌ای که کمتر بدان توجه شده، روش موسیقی رپ در مبارزات سیاسی - اجتماعی باشد که توانسته بحران عمیقی را در هویت فرانسوی ایجاد نمایند (صص ۹۳-۱۱۳ کتاب).

عنوان بخش ششم، «پژوهشی در زمینه وحدت ملی در ترانه عامه اویغور می‌باشد و جوآن ان. اسمیت<sup>۳</sup> آن را به رشته تحریر کشیده است (۸). قوم اویغور، در شمال غربی چین ساکن‌اند و در موسیقی شهرت فراوانی دارند. ترانه‌های محلی سنتی این قوم از جمله «مرغ‌های نازا، سگ‌های ولگرد و دزدها» که در این فصل بدانها اشاره شده، در بردارنده پیام‌های اجتماعی - سیاسی و فرهنگی‌اند و در شکل‌گیری اتحاد ملی اویغور، نقش عمده‌ای دارند (صص ۱۱۵-۱۴۱ کتاب).

فصل هفتم کتاب، «خواننده و نقاب: آواهای برزیل در آهنگ جزیره مادیرا آنتونیو نوبرگا» نام دارد و رابین وارنر<sup>۴</sup> و رجینا ناسکیمنتو<sup>۵</sup> آن را نوشته‌اند (۹). نویسندگان این فصل از کتاب با تمرکز بر آواها و نواهای این کشور آمریکای لاتین، در آغاز مقاله خود می‌نویسند که برای برزیلی‌ها پاسخ دادن به سؤالات «من کیستم و ما کیستیم» آسان نیست. هویت ملی مردم برزیل در طول تاریخ، تحت تأثیر تنوع بستر فرهنگی - قومی و مهاجرت‌های بین قاره‌ای قرار گرفته و این موضوع، سبب شکل‌گیری هویت‌های متعدد و گونه‌گونی در برزیل شده است؛ موسیقی نیز در شکل‌گیری این هویت‌ها نقش عمده‌ای داشته و در این مقاله یکی از آهنگ‌های آنتونیو نوبرگا<sup>۶</sup> و تأثیر آن بر جامعه چندهویتی برزیل بررسی شده (صص ۱۴۳-۱۵۹ کتاب).

1- Banda

2- Brian George

3- Joanne N. Smith

4- Robin Warner

5- Regina Nascimento

6- Antonio Nobrega

«موسیقی عامه، سنت و ناسیونالیسم صرب» عنوان فصل هشتم کتاب پیش‌روی ماست که رابرت هودسون<sup>۱</sup> آن را تدوین نموده است (۱۰). هرچند رابطه تنگاتنگ فرهنگ و سیاست بدیهی می‌نماید، در صربستان عرصه سیاست بسیار پرتنش است. مسأله سیاست در میان صرب‌ها به شدت تحت تأثیر موسیقی سنتی - قومی می‌باشد و از اواخر دهه ۱۹۸۰ هر رهبر، برنامه و نزاع سیاسی در میان صرب‌ها، با زمینه‌ها و پس‌زمینه‌های موسیقی فرهنگ عامه ارتباط پیدا می‌کند و انگیزه‌های ملیت‌گرایی نیز آشکارا در این گونه موسیقی، مشهود می‌باشد (صص ۱۷۸-۱۶۱ کتاب).

فصل آخر کتاب، «نروژی‌ها: دوباره‌سازی دولت - ملت در اروپا از طریق ثبات و یکسان‌سازی در باشگاه موسیقی نروژی» نام دارد که استن هاوکینز<sup>۲</sup> آن را نوشته است (۱۱). هاوکینز معتقد است که موسیقی به انسان، احساس هویت و توجه به ملی‌گرایی می‌بخشد و مهم‌ترین نماد این هویت‌خواهی را می‌توان در موسیقی مشاهده نمود. رابطه موسیقی و احساس هویت، بسیار پیچیده است و اوضاع فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بر آن مؤثر واقع می‌گردد؛ مثلاً در نروژ، موسیقی نقش مهمی در پدید آوردن احساس اروپایی‌گرایی داشته است (صص ۱۸۹-۱۷۹ کتاب).

در نهایت سخن پایانی کتاب، مقاله‌ای به قلم ریچارد میدلتون<sup>۳</sup> است (۱۲). به طور کلی، هر کدام از نویسندگان کتاب، موضوعی خاص و متمایز را بررسی و مطالعه نموده‌اند و برای تبیین حوزه مطالعاتی خود از الگوهای متفاوت گفتمان موسیقی استفاده نموده‌اند، گفتمان‌های موجود را نقد کرده‌اند و یا به گفتمان‌های نادیده گرفته شده در زمینه هویت ملی و رابطه آن با موسیقی پرداخته‌اند. این مطالعه‌ها بحث‌هایی در زمینه موسیقی‌های ایرلندی، رابطه بین پاپ آفریقایی و موسیقی جهانی، باشگاه موسیقی نروژی، احیای موسیقی سنتی در میان صرب‌ها، مقاومت در برابر یکسان‌سازی فرهنگی در برزیل، موسیقی معاصر اویغور چین، رابطه بین موسیقی رپ و هویت در جامعه فرانسه، موسیقی بندا از حاشیه لس‌آنجلس، و موسیقی رای اسپانیایی / مراکشی را مطرح می‌کند. و در جستجوی هویت‌هایی است که برای فعال کردن، تقویت و برتری خود می‌کوشند. به طور کلی، موضوع اصلی این کتاب، نگاهی دوجانبه و دگراندیشانه به هویت ملی و رویکردهای موسیقی می‌باشد.

1- Robert Hudson

2- Stan Hawkins

3- Richard Middleton

## نقد کتاب

این کتاب در نوع خود، اثر مناسبی در حوزه موسیقی و هویت ملی محسوب می‌گردد و مباحثی که بدان پرداخته شده تازه‌اند و در دنیای امروز اهمیتی دوچندان یافته‌اند. نویسندگان اثر مورد بحث، مجموعه‌ای از رویکردها و رهیافت‌های بین رشته‌ای از جمله؛ مطالعات فرهنگی، موسیقی‌شناسی جدید، موسیقی‌شناسی قومی و مطالعات انسان‌شناسی را تجربه و بررسی نموده‌اند و جمع‌بندی یافته‌های آنها به درستی پیچیدگی‌های ملت و ملیت را به‌عنوان یک فضای آستانه‌ای یا میانی نشان می‌دهد که در آن منطقه و جهان، همدیگر را همپوشانی می‌کنند.

از جمله انتقادهای وارد بر این کتاب، نبودن مباحث نظری منسجم در آن است. اگرچه، در پایان اثر و در آخرین فصل از کتاب از نظریه‌های بوردیو، گرامشی، گافمن، هابرماس، گادامر، هومی بهابها<sup>۱</sup>، ژاک لاکان و اسلاوی ژیزک<sup>۲</sup> استفاده شده، در ساختار اصلی و در آغاز هر فصل و به‌ویژه در فصل اول کتاب، نظریه‌پردازی منسجم و مدونی که راهنمای نویسندگان و تعیین‌کننده خط‌مشی و جهت‌گیری نظری کتاب باشد، دیده نمی‌شود. بندیکت اندرسون مباحث جدیدی را در این زمینه حول محور «جامعه تصویری» مطرح کرده است. وی این جامعه را شاهدهی برای وجود رابطه نزدیک و در عین حال پرتش بین شناخت‌شناسی اندیشه سیاسی می‌داند که بر دولت - ملت تمرکز می‌نماید؛ و یک جامعه سیاسی فرضی و جدایی‌ناپذیر از آن، که به‌صورت اشکال اسطوره‌ای و تصویری در ملت‌ها، مشاهده می‌شود. از نظر او می‌توان حد واسطی برای این دو رویکرد قائل شد که عبارت است از ترسیم دوباره ملت به‌عنوان یک واسط سیاسی. علاوه بر آن، جامعه‌شناسانی مانند جورج هربرت مید، هربرت بلومر و برایان فی نیز نظریه‌های مختلفی در زمینه فرهنگ و هویت عرضه کرده‌اند که می‌تواند به غنای بحث یاری رساند. آنها معتقدند که موسیقی عامه، محصولی فرهنگی و همواره در حال عبور از مرزها می‌باشد و یک فضای فرهنگی - مکانی را ترسیم می‌کند. روشن است که موسیقی‌های عامه می‌توانند به طور مولد، فضایی را برای نمود یافتن ملیت و ملی‌گرایی فراهم آورند؛ فضایی که جهان‌بینی‌های ملی‌گرایی، خود را در آن تعریف می‌کنند و هم‌چنین منطقه نمادینی که برحسب نیازها و درخواست‌های سیاسی - محلی عمل می‌کند. این ناحیه، سیال و باز است و به طور مداوم، در معرض رویارویی با واقعیت

1- Bhabha

2- Žižek

دولت - ملت‌ها و هم‌چنین الهام‌های واقعی ملی و ملی‌گرایی، در حال تولید و بازتولید می‌باشد. فضای ایجاد شده، در مقابل فشارهای مختلف به‌ویژه فشارهای وارد شده از جانب روند جهانی شدن، مقاوم است، از اسطوره‌ها و تخیل‌ها الهام می‌گیرد و به نیاکان مربوط است.

از جمله نکات قابل طرح در این کتاب، آن است که فصل‌ها در برخی موارد از انسجام لازم برخوردار نیستند. غیر از فصل‌های سوم و نهم، دیگر فصل‌ها دارای مقدمه و مؤخره‌اند. منطقی می‌نمود اگر برای یکدستی کار، این دو فصل نیز مقدمه و نتیجه‌گیری داشتند. نکته دیگر آن است که بین تعداد صفحات مقاله‌ها و کیفیت مطالب آنها تناسبی وجود ندارد؛ به‌عنوان مثال مقاله نهم کتاب، ده صفحه و مقاله دوم ۲۵ صفحه می‌باشد؛ هم‌چنین به دلیل متعدد بودن موضوع‌های مقاله‌ها و بررسی انواع مختلف موسیقی در کشورهایی با فرهنگ‌ها و پیشینه‌های متفاوت، کار از یکدستی مناسبی برخوردار نیست و شیوه نگارش نویسندگان نیز با هم فرق دارد. پذیرفتنی است که هدف نویسنده کتاب، بررسی تأثیرگذاری موسیقی بر هویت ملی و سیاست‌مکانی است و به همین دلیل ناحیه‌های مختلفی انتخاب شده‌اند؛ اما، بهتر بود که شیوه نگارش و ادبیات اثر و نویسندگان آن یکدست‌تر می‌شد و ویراستاری جدی‌تری از آن صورت می‌پذیرفت.

از دیگر انتقادات بر این کتاب، آن است که نظم، دلیل منطقی و توجیه مناسبی برای انتخاب منطقه‌ها و کشورهای بررسی شده در مقاله‌ها وجود ندارد؛ به همین دلیل بین موضوع‌های مقاله‌ها نوعی از هم‌گسیختگی وجود دارد و درک موضوع هر مقاله، نیاز به تخصص مربوط به آن ناحیه دارد؛ هم‌چنین، به نظر می‌رسد برخی مناطق مانند خاورمیانه و جنوب آسیا نادیده گرفته شده‌اند. این مناطق به دلیل داشتن پیشینه تاریخی طولانی، حکومت امپراطوری‌های بزرگ بر آن در گذشته، و رواج فرهنگ‌های متعدد در آنها موضوع مناسبی برای بررسی نقش موسیقی در هویت ملی‌اند؛ علاوه بر آن، برخی کشورها چون کانادا، استرالیا، سوئد، مالزی و... مهاجرپذیرند و می‌توان نقش موسیقی در مباحث فرافرهنگی و فرامهاجرتی را در این کشورها بررسی نمود.

درواقع، نبودن بررسی روشمند و منطقه‌ای درباره وضع موسیقی منطقه‌ها و کشورهای گوناگون جهان باعث گردیده خاورمیانه به‌عنوان منطقه‌ای بسیار مهم با موسیقی‌ای غنی در کشورهایی چون ایران و حوزه تمدنی آن، مصر، لبنان، ترکیه و حتی آسیای مرکزی و قفقاز، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و یا در کشورهای نظیر کره و



ژاپن، از دایره این بررسی‌ها خارج بماند و با وجود محتوا و مضمون ارزشمند، به لحاظ ساختار و روش، دارای خلاءها و کاستی‌های جدی باشد. در پایان، ضمن توصیه به مطالعه کتاب «موسیقی، هویت ملی و سیاست مکانی» و پیشنهاد ترجمه کردن آن به زبان فارسی؛ متذکر می‌شود که با توجه به جای خالی پژوهش‌هایی از این دست در ایران، این کتاب منبع ارزشمند و قابل استنادی در مطالعه تطبیقی برای پژوهش درباره موسیقی و هویت ملی ایران قلمداد می‌گردد.

مجتبی مقصودی

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

Email: Maghsoudi.mojtaba@yahoo.com

شقایق حیدری

دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز

Email: Heidari.shaghayegh@yahoo.com



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## یادداشت‌ها

- ۱- ایان بیدل، کارشناس ارشد و رئیس مرکز بین‌المللی مطالعات موسیقی دانشگاه نیوکاسل و مدیر مرکز آموزش عالی موسیقی این شهر است و ونسا نایتز متخصص در مطالعات اسپانیا و زبان‌های پیشرفته در دانشگاه نیوکاسل می‌باشد. وی آثار فراوانی در زمینه موسیقی امریکای لاتین، رسانه‌ها و تجدد، و تصاویر عجیب اسپانیایی به رشته تحریر درآورده است. ونسانا نایتز در مارس ۲۰۰۷ درگذشت.
- ۲- انتشارات اشگیت به طور تخصصی در زمینه انتشار آثار موسیقی محلی و عامه، و حوزه‌های نزدیک به آن فعالیت می‌کند.
- ۳- افلین، کارشناس موسیقی در دانشگاه لیمریک ایرلند است. وی هم‌چنین اندیشه‌های مهمی را در آموزش موسیقی در این دانشگاه رواج می‌دهد. علائق تحقیقاتی وی معطوف به جامعه‌شناسی موسیقی، موسیقی عامه ایرلندی و نظریه و عمل آموزش موسیقی می‌باشد.
- ۴- مورفی کارشناس ارشد دانشگاه استرلینگ فرانسه است و آثار زیادی در زمینه ادبیات جنوب صحرای بزرگ آفریقا و سینما در فرانسه منتشر کرده است. علاقه تحقیقاتی وی معطوف به فرهنگ، پیشرفته سنگال می‌باشد.
- ۵- پرواتی نایر متخصص مطالعات فرهنگ اسپانیایی در دانشگاه کوپین مری لندن است و تحقیقات وی در حوزه جایگاه قومیت و مهاجرت در هنر موسیقی، فیلم و عکس می‌باشد.
- ۶- هلنا سیمونت درجه دکتری خود را در موسیقی شناسی قومی از دانشگاه کالیفرنیا اخذ کرده است. وی اخیراً در دانشگاه وندربیلت تدریس می‌کند و تحقیقات گسترده‌ای را در زمینه موسیقی عامه مکزیکی و گسترش جهانی آن انجام داده است.
- ۷- برایان جورج مشاور زبان‌های پیشرفته خارجی و فهم بین‌المللی در مدارس ولز جنوبی است و مقاله‌های زیادی در زمینه تئاتر معاصر فرانسه و موسیقی عامه نگاشته است.
- ۸- اسمیت تحقیقاتی را در چین انجام داده و عضو گروه تحقیقاتی موسیقی عامه در دانشگاه نیوکاسل است. علاقه تحقیقاتی وی در شکل‌گیری و تغییر شکل هویت های قومی، ملی و چندفرهنگی در میان اویغورهای ساکن در شمال غربی چین می‌باشد. وی نشان می‌دهد که این هویت‌ها معطوف به موسیقی و فرهنگ عامه چه نمودی دارند.
- ۹- رجینا ناسکیمنتو دستیار تحقیق در بخش روابط بین‌الملل دانشگاه سانپائولو است. وی در زمینه نئورئالیسم در برزیل معاصر، آفریقا و پرتغال تحقیق می‌کند. رابین وارنر در بخش مطالعات اسپانیایی دانشگاه شفیلد تحقیقاتی را انجام می‌دهد؛ و مقاله‌هایی را در زمینه میزان گوناگونی زبان‌شناسی اسپانیایی و پرتغالی و موضوع‌های اجتماعی - فرهنگی و ترانه‌های عامه نگاشته است.
- ۱۰- رابرت هودسون متخصص تاریخ معاصر اروپا و سیاست فرهنگی در دانشگاه دربی انگلستان می‌باشد. وی تحقیقاتی را در یوگسلاوی در این زمینه انجام داده است.
- ۱۱- استن هاوکینز استاد موسیقی شناسی در دانشگاه اسلو نروژ است و تخصص وی بیشتر در زمینه موسیقی پاپ می‌باشد.
- ۱۲- ریچارد میدلتون استاد بازنشسته موسیقی از دانشگاه نیوکاسل و به‌نوعی هدایت‌کننده بخش مطالعات موسیقی عامه این دانشگاه است.